

فوتبال خارجی

وقتی امبا به به شیخ تبدیل می شود

خیانت!

نوکمپ در آتش شادی کاتالان‌هامی سوخت‌ورنلال مادرید مات‌ومپهوت،به تماشای جشنی نشست‌که پایان‌بخش یک فصل‌کابوس‌وار‌وبدون‌جام‌بود.امادرمیان‌اشک‌های‌هواداران مادریدی،شعله‌های‌خشم‌نه‌به‌سمت‌نتایج‌تیم،بلکه‌به‌سوی‌گران‌ترین‌وبرزرق‌وبرق‌ترین‌سستاره‌رخکن‌زبانه‌می‌کشد؛ کیلیان‌امبا،به‌داستان‌از‌شنبه‌ای‌شروع‌شد‌که‌بوی‌تردید‌می‌داد.در‌حالی‌که‌همه‌منتظر‌بودند‌شماره‌۹‌محبوب‌شان‌پس‌از‌راهایی‌از‌مصدومیت‌همسزرتینگ،در‌ال‌کلاسیکوی‌سرنوشت‌ساز‌لیدر‌خط‌حمله‌باشد،یک‌اتفاق‌در‌پنج‌دقیقه‌پایانی‌آخرین‌تمرین‌،شوک‌بزرگی‌بدیده‌تیم‌وارد‌کرد.امبا‌به‌که‌تا‌آن‌لحظه‌پا‌به‌پای‌بقیه‌دویده‌بود،دانهان‌تمرین‌رائنمه‌کاره‌رها‌کرد‌ویه‌کادربزرگی‌گفت:«می‌توانم‌ادمه‌دهم.»

این‌خروج‌ناگهانی،رخکن‌رنسال‌راه‌هاله‌ای‌از‌ابهام‌و‌نابابوری‌فرورد،جایی‌که‌بسیاری‌معتقد‌بودند‌این‌نه‌یک‌مانع‌جسمی‌که‌یک‌عقب‌نشینی‌خود‌خواسته‌بود.نمک‌بر‌زخم‌هواداران‌امازمانی‌پاشیده‌شد‌که‌نلال‌در‌دقایق‌حساس‌بازی‌مقابل‌بار‌ساعقب‌افتاد.در‌ست‌در‌همان‌لحظات،استوخ‌اینستاگرامی‌امبا‌به‌منتشر‌شد؛عکسی‌از‌خانه‌که‌نشان‌می‌داد‌است.زمان‌بندی‌این‌پست،خشم‌رسانه‌های‌مادریدی‌را‌به‌نقطه‌جوش‌رساند.توماس‌ورنسونرو،سر‌مدیر‌پرشور‌اس،با‌لحنی‌بی‌سابقه‌فریادز:«امبا‌به‌همه‌ما‌راسخړه‌کرده‌است!»‌و‌ادوبیدال‌از‌رادوبوانداسرو‌صراحتا‌اعلام‌کرد‌که‌اگر‌این‌یک‌بازی‌فینال‌بود،امبا‌به‌قطعا‌در‌زمین‌حضور‌داشت.

تحلیل‌گران‌حالا‌از‌حقیقتی‌تلخ‌برده‌برمی‌دارند؛امبا‌به‌با‌وجود‌ثبت‌بیش‌از‌۴۰گل‌در‌این‌فصل،حالا‌دنه‌از‌مادرید‌کوچ‌کرده‌است.سفر‌های‌تفریحی‌مداوم‌به‌ایتالیای‌دوران‌یکباروی‌و‌در‌گیری‌های‌لفظی‌با‌کادرفنی،تصویری‌از‌بازیکنی‌ساخته‌که‌بر‌نابینو‌را‌تنها‌یک‌ایستگاه‌تمرینی‌برای‌رسیدن‌به‌هدف‌بزرگ‌ترش‌می‌بیند؛جام‌چهارمی‌۲۰۲۶‌آمریکا‌برای‌کیلیان،‌پیراهن‌سفید‌نلال‌حالا‌در‌سایه‌پیراهن‌آبی‌فرانسه‌قرار‌گرفته‌است.او‌بدنش‌را‌برای‌فتح‌دوباره‌جهان‌حفظ‌می‌کند،اما‌به‌قیمت‌از‌دست‌دادن‌قلب‌هایی‌که‌سال‌ها‌برای‌آمدنش‌تیبیده‌بودند.فصل

۲۰۲۵-۲۶‌برای‌امبا‌به‌در‌مادرید‌به‌پایان‌رسیده،ام‌فصله‌خیانت‌ورزشی‌و‌در‌تاریخ‌این‌باشگاه،‌تازه‌آغاز‌شده‌است.



■ ■ ■

آنجلوتی‌به‌نیمار‌وسیلوا‌برای‌جام‌جهانی‌آماده‌شود

جایی‌برای‌پیرمردها

در‌مه‌الود‌ترین‌صبح‌های‌ترسپولیس،جایی‌که‌کمپ‌تمرین‌تیم‌ملی‌برزیل‌گرنجا‌کوماری‌در‌آغوش‌کوه‌ها‌آرام‌گرفته،بوی‌نوستالژی‌باعطر‌چمن‌خیس‌ترکیب‌شده‌است.کار‌لو‌آنجلوتی،پیرمرد‌ایتالیایی‌که‌با‌آن‌بروهای‌بالاجسته‌و‌آرامش‌بی‌پایانش‌مامور‌بازگرداندن‌اعتبار‌به‌سلسلتو‌شده،حالا‌در‌آستانه‌جام‌چهارمی‌۲۰۲۶‌تصمیمی‌گرفته‌که‌قلب‌فوتبال‌دوستان‌برزیل‌را‌به‌تپش‌انداخته‌است؛بازگشت‌پادشاهان‌قدیمی‌برای‌آخرین‌رقص.

نیمار‌جنیور،نামی‌که‌برای‌سال‌ها‌با‌جنجال‌و‌نیو‌غ‌گروه‌بود،پس‌از‌آن‌شسب‌تلخ‌اکتبر‌۲۰۲۳‌و‌مصدومیت‌ویرانگر‌ACL‌مقابل‌ونزوئلا،گویی‌به‌پایان‌خطر‌رسیده‌بود.اماباز‌گشت‌اوبه‌خاتمه‌بستوس،همه‌همچیزرا‌تغییر‌داد.نیمار‌دیگران‌بال‌کناری‌ویرانگر‌که‌با‌سر‌عشش‌مدافعان‌را‌تحقیر‌می‌کرد،نیست؛او‌حالا‌در‌نقش‌یک‌شماره‌۱۰‌کلاسیک،مغز‌متفکر‌حملات‌شده‌است.آنجلوتی‌به‌خوبی‌می‌داند‌که‌در‌جنجال‌جام‌جهانی،داشتن‌بازیکنی‌که‌بتواند‌با‌یک‌پاس‌مینیا‌توری،گره‌بازی‌راباز‌کنند،از‌نان‌شب‌واجب‌تر‌است.نیمار‌شاید‌دیگر‌ندود،اما‌و‌حالا‌بهتر‌از‌هر‌زمان‌دیگری‌می‌بیند.حضور‌او‌در‌فهرست‌۵۵نفر،ه‌پیمایی‌صریح‌به‌رقیاست.برزیل‌هنوز‌یک‌جاودگر‌در‌آستین‌دارد.

۴۱‌سسالگی،تیاگو‌سیلوا‌شش‌به‌یک‌قطعه‌عقیقه‌گران‌بهاست‌که‌هر‌چه‌زمان‌می‌گذرد،ارزمنشدتر‌می‌شود.آخرین‌تصویر‌ساز‌او‌در‌پیراهن‌زرده،اشک‌هایش‌پس‌از‌شکست‌مقابل‌کرواسی‌در‌قطر‌۲۰۲۲‌بود.حالا،چهار‌سال‌بعد،او‌دوباره‌فراخوانده‌شده‌است.با‌این‌حال،مسیر‌تیاگو‌برای‌رسیدن‌به‌فهرست‌نهایی‌۲۶نفر،به‌مراتب‌دشوارتر‌از‌نیمار‌است.ترافیک‌در‌خط‌دفاعی‌برزیل‌با‌حضور‌غول‌هایی‌مثل‌مار‌کینیوش،گلرین‌و‌برمر‌بیدادی‌کند.آنجلوتی‌که‌به‌انتعاف‌تاکتیکی‌و‌بازی‌خوانی‌بازکنانش‌اهمیت‌می‌دهد،تیاگو‌را‌به‌عنوان‌یک‌رهبر‌رخکن‌می‌خواهد،اما‌پاس‌عزت‌و‌برابرمهاجمان‌نسل‌جدید‌دام‌می‌آورد؟

دعوت‌از‌این‌دو‌ستاره‌سایه‌ای‌سنگین‌روی‌نسل‌جدید‌انداخته‌است.بازیکنایی‌مثل‌اندریک،رایان‌و‌ایگور‌تیاگو‌که‌زیر‌نظر‌آنجلوتی‌به‌بلوغ‌رسیدند،حالا‌باید‌جای‌خود‌را‌با‌اسطوره‌هایی‌تقسیم‌کنند‌که‌وقتی‌آنها‌الفیاق‌فوتبال‌رایال‌می‌گرفتند،در‌فیثال‌های‌بزرگ‌می‌چنگیدند.یک‌سلسال‌اساسی‌در‌رسانه‌های‌برزیل‌ مطرح‌است؛‌آیا‌حضور‌نیمار‌و‌سیلوا،روند‌جوان‌سازی‌تیم‌را‌مختل‌می‌کند‌یا‌بر‌عکس،مثل‌چاشنی‌تجرب‌به‌طعم‌خامی‌جوانان‌رامی‌گیرد؟

بازگشت‌موقت‌نیمار‌وسیلوا‌به‌کمپ‌تمرینی‌بیش‌از‌آنکه‌یک‌تصمیم‌فنی‌باشد،یک‌حرکت‌نمادین‌است.آنجلوتی‌می‌خواهد‌روح‌برزیل‌کلاسیک‌را‌به‌کالبد‌تیم‌مدرن‌ترش‌تزیق‌کند.گرنجا‌کوماری‌این‌روز‌ها‌شاهد‌تلافی‌دونسل‌است؛جایی‌که‌تجرب‌ز‌خم‌خورده‌تیاگو‌سیلوا‌ونیو‌غ‌احیاشده‌نیمار،قرار‌است‌در‌کنار‌شورو‌حال‌جوانانی‌مثل‌اندریک،مجموعی‌بسان‌د‌که‌شاید‌پس‌از‌۲۴‌سال،جام‌طلایی‌رادوباره‌به‌خانه‌برگرداند.باید‌منتظر‌ماند‌و‌دیدوقتی‌لیست‌نهایی‌منتشر‌می‌شوند‌نام‌این‌دو‌اسطوره‌روی‌کاغذ‌باقی‌می‌ماند‌یا‌این‌دعوت،صرف‌ایک‌خداحافظی‌باشکوه‌در‌کمپ‌تمرینی‌بوده‌است.هر‌چه‌باشد،برزیل‌با‌آنجلوتی،دوباره‌یاد‌گرفته‌است‌که‌چطور‌هم‌زمان‌هم‌با‌پندیده‌نگاه‌کنند‌و‌هم‌به‌ریشه‌هایش‌احترام‌بگذارند.

صاحب‌امتیاز:موسسه‌اطلاع‌رسانی‌و‌خبرگزاری‌ایلنا

مدیر‌مسئول:مسعود‌حیدری

زیرنظر‌شورای‌سردبیری

مدیر‌بازگرائی‌و‌روابط‌عمومی:مرتضی‌بلوکی

وقتی بلیت‌های جام جهانی برای دستیاران خارجی ژنرال یک طرفه شد

میراث سوخته



آز پطاری

در حالی که زنگ حضور در بزرگ‌ترین رویداد فوتبالی جهان یعنی جام جهانی ۲۰۲۶ به صدا در آمده و هواداران فوتبال در انتظار یک نمایش آیرومندانانه از سوی یوزهای ایرانی هستند، پشت پرده اردوگاه تیم ملی بوی بحران می دهد. ماجرا دیگر بر سر سرسیستم بازی یا چیدمان تدافعی نیست، بحث بر سر نیمکتی است که قرار بود با دانش ایتالیایی جلا داده شود، اما حالا به میدانی برای تسویه حساب‌های حقوقی و نامه‌نگاری های تهدیدآمیز تبدیل شده است.

زمانی که امیر قلعه‌نویی برای دومین بار بر

صندلی ریاست فنی تیم ملی تکیه زد، منتقدان از سنتی بودن متدهای او واهمه داشتند. ژنرال برای فرار از این برچسب، دست به دامن شبه جزیره شد، او می خواست با واردات تئوریسین های ایتالیایی، پلی میان فوتبال غریزی ایران و نظم تاکتیکی اروپا بسازد. اما این پل پیش از آنکه راهی به سوی موفقیت باز کند، زیر بار بدی های انباشته و بدقولی های مدیریتی فرور یخت.

آنتونیو مانیچونه، نخستین قطعه از این پازل بود. مردی که با کوله‌باری از تجرب به در تیم ملی سوئیس آمد اعضای دست قلعه‌نویی باشد. اما دی ماه سال گذشته، وقتی بدهای سرد زمستانی وزیدن گرفت، او هم غیبش زد. مانیچونه نه برای استراحت، بلکه

او هم غیبش زد. مانیچونه نه برای استراحت، بلکه

اهالی فوتبال ریشه دوانده؛ آیا پروژه جوان گرایی تنها یک ویرتین فانتزی است یا اراده‌ای پولادین پشت آن نهفته؟

اما درست در میانه این شک و تردیدها، ۹ نام از میان لیست‌ها بیرون زدند؛ که گویی برگزیدگان این نسل برای یک ماموریت غیرممکن هستند. کسری طاهری، امیر حسین محمودی، امیرمحمد رزاقی نیا، پوریا شهرآبادی، مسعود محبی، محمد خلیفه، دانیال آیری، آریا یوسفی و مهدی هاشم‌نژاد؛ این‌ها فقط بازیکن فوتبال نیستند، این‌ها پروژه‌های عبور فوتبال ایران از بن‌بست پیری محسوب می شوند.

برای این ۹ پدیده، سال ۱۴۰۵ سال بی‌خوابی است. آنها باید در دو جبهه بجنگند؛ اول، مقابله کردن قلعه‌نویی برای نشستن روی صندلی های هوایپما یعنی جام جهانی و دوم، تبدیل شدن در ستون فقرات ارتش حسین عبدی در زاین. این یک فرصت استثنایی است که شاید در هر دهه، تنها نصیب عده معدودی شود؛ تجربه بزرگ‌ترین تورنمنت جهان و بلافاصله رهبری

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseeirani.ir

ایمیل: toseirani@gmail.com

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee_irani

شماره ۲۱۷۸ / چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ / ۲۵ ذوالقعدة ۱۴۴۷ / ۱۳ می ۲۰۲۶

حالا در شرایطی که فدراسیون مدعی است قرار داده معتبر است، واقعیت عریان چیز دیگری می‌گوید؛ ایتالیایی‌ها نه تنها قصد بازگشت ندارند، بلکه از طریق وکلای خود، فیفا را به عنوان داور نهایی انتخاب کرده‌اند. این یعنی نه تنها از دانش آنها در جام جهانی خبری نخواهد بود، بلکه بودجه نحیف فدراسیون باید صرف جرمه‌هایی شود که نمره‌اش برای فوتبال ایران تقریبا هیچ بوده‌است. فقط ایتالیایی‌ها نیستند که راه خروج را در پیش گرفته‌اند، آلین دینکا، مربی رومانیایی دروازه‌بان‌ها که رابطه حسنه‌ای هم با گلرهای تیم ملی داشت، به جمع شاکیان پیوسته‌است. فدراسیون مدتی تلاش کرد غیبت او را به مشکلات پروازی و لغو بلیت‌ها گره بزند، اما کیست که نداند در دنیای حرفه‌ای، بلیت هوایپما با دلار و احترام رزرو می‌شود. دینکا هم حالا به همان بن‌بستی رسیده که مانیچونه رسید؛ بن‌بست و عده‌های توخالی. او که نقشی کلیدی در آماده‌سازی سنگربانان ایران داشت، حالا از دور نظاره‌گر تیمی است که قرار بود با او به جام جهانی برود.

با خروج این چهره‌های بین‌المللی، کادرفنی تیم ملی به یکبارهاه ایرنیزه شد. حالا امیر قلعه‌نویی مانده و دستیارانی چون سعید الهویی، هومن افاضلی، رحمان رضایی و اندرانیک تیموریان. اگر چه این چهره‌ها محترم و دارای سوابق مشخصی هستند، اما پرسش اساسی اینجاست؛ آیا این ترکیب، همسان وزن فنی لازم برای تقابل باغول‌های جهان در جام جهانی ۲۰۲۶ را دارد؟

منتقدان بر این باورند که این بازگشت به عقب نه از روی استراتژی، بلکه از روی اجبار و بی‌پولی رخ داده‌است. فدراسیون فوتبال که نتوانست امنیت مالی دستیاران خارجی را تأمین کند، حالا باید با کادری به میدان برود که زیر فشار سنگین افکار عمومی قرار دارد.

در این آشفته‌بازار، مهدی تاج، رئیس فدراسیون در نقشی مشابه یک آش‌نشان ظاهر شده‌است. او به یکی از اعضای هیات‌رئیس که در ابتدا واسطه حضور این مربیان بود، ماموریتی ویژه داده‌است؛ مانع شکایت نشوید! این عضو هیات‌رئیسه حالا باید با دیپلماسی و احتمالا عده‌های جدید، مربیانی را راضی کند که

باخروج چهارچهره‌های بین‌المللی، کادرفنی تیم ملی به یکبارهاه ایرنیزه شد. منتقدان بر این باورند که این بازگشت به عقب نه از روی استراتژی، بلکه از روی اجبار و بی‌پولی رخ داده‌است. فدراسیون فوتبال که نتوانست امنیت مالی دستیاران خارجی را تأمین کند، حالا باید با کادری به میدان برود که زیر فشار سنگین افکار عمومی قرار دارد

اعتمادشان به سیستم مدیریتی فوتبال ایران به صفر رسیده است. اما واقعیت این است که حتی اگر شکایتی هم صورت نگیرد، نسیم این اتفاق در درگاه‌های تیم ملی تزیق شده‌است. تیمی که دستیارانش در آستانه جام جهانی به دنبال شکایت در کمیته انضباطی فیفا هستند، تمرکز کافی برای تمرین دادن نخواهد داشت.

تیم ملی ایران در حالی به سمت جام جهانی ۲۰۲۶ حرکت می‌کند که نیمکتش خالی از تئوریسین‌های خارجی شده و صندوقچه‌اش پر از پرونده‌های حقوقی. شعار تقویت کادرفنی که زمانی مانور تبلیغاتی مدیران بود، حالا به یک پاشنه آشیل تبدیل شده‌است. ماجرای دستیاران ایتالیایی، برشی از مدیریت فعلی فوتبال ماست؛ جایی که قرار داده‌های دهان‌پرکن منعقد می‌شود، اما در نگهداری و سرمایه‌های انسانی ناتوان هستیم. امیر قلعه‌نویی حالا نتهارت از همیشه است؛ او باید جنگ بزرگ‌ترین تورنمنت عمرش، با دستیارانی به اول نبودند.

فوتبال ایران بار دیگر در آستانه یک تجربه گران‌قیمت قرار دارد. تجربه‌ای که در آن، هزینه‌های ارزی پرداخت می‌شود، اما سود فی‌اش به حساب پیزا و لیگ‌های دیگر وارز می‌شود. در نهایت، این هواداران هستند که باید با این حقیقت تلخ کنار بیایند؛ نیمکت تیم ملی در جام جهانی، بیش از آنکه بسوی دانش روز نگاه را بدهد، بوی حسرت و پرونده‌های باز در دادگاه عالی ورزش را خواهد داد.

چهره به چهره

می‌دانند که درخشش در این یک‌سال، فقط به معنای تمدید قرار داد با باشگاه‌های محبوب‌شان نیست. آنها در حال ترسیم نقشه‌ای هستند که می‌تواند ترانسفر مارکت آسیا را تکان دهد. اما پیکان و گل گهر استقلال و پرسپولیس، حالا همه می‌دانند که این ۹ نفر، حامل ژن تغییر در فوتبال ایران هستند.

فوتبال ایران همیشه به دنبال نوجی بوده‌است. گاهی این ناجی یک لژیونر نامدار بوده و گاهی یک پدیده که از دل زمین‌های خاکی بیرون جسته‌است. اما شرایط فعلی، چیزی فراتر از ظهور یک ستاره‌است. این ۹ نفر، فرصتی دارند که پیش از این برای نسلی مثل مهدوی کیا یا دایی فراهم نبوده، حضور هم‌زمان در کوران جام جهانی و رهبری تیم‌امید در آسیا.

اگر این جوانان بتوانند از فشار سنگین پیراهن تیم ملی و انتقادهایی که به کادرفنی بابت عدم جوان‌گرایی می‌شود به عنوان سوخت موتور استفاده کنند، «درصد بالا یک شبه‌عنوان» دیگر که ضرب‌المثل نخواهد بود؛ بلکه تیتراول روزنامه‌هایی می‌شود که در پایان سال ۱۴۰۵، از طلوع نسلی می‌نویسند که فوتبال ایران را از خوت پیری نجات داد.

پنجره‌ای رو به آسمان باز شده‌است و ۹ فوتبالیست با افتخار، فرصت طلایی برای عبور از سایه بزرگ ترها استفاده کنند؟ پاسخ در ساق‌های خستگی‌ناپذیر آنها نهفته‌است.



اتفاق روز

در حالی که قلی‌زاده روزهای سخت ابتدایی مصدومیت را در تنهایی سپری می‌کند و منتظر فروکش کردن التهاب زانو برای رفتن به اتاق عمل است، لخ‌پوزنان یک پیشنهاد جنجالی روی میز او گذاشته‌است. لهستانی‌ها که با قلی‌زاده‌طعم‌فهرمانی‌را‌چشیده‌اند، نمی‌خواهند او را به راحتی از دست بدهند. اما در عین حال، به عنوان یک باشگاه حرفه‌ای، ریسک مصدومیت او را هم در نظر گرفته‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن‌است که پیشنهاد تمدید قرار داد با لخ‌پوزنان، مشروط است. یعنی بندهایی در آن حقوق و حقوق و مزایای بازیکن را مستقیما به تعداد بازی‌ها و کیفیت بازگشت او پس از مصدومیت گره می‌زند. اینجاست که پرسپولیس می‌تواند از فرصت استفاده کند. سرخ‌ها می‌توانند با ارائه یک قرار داد بلندمدت و ایجاد فضای امن روانی، قلی‌زاده را مجاب کنند که خانه، بهترین مکان برای بازسازی دوباره‌است.

راهبرد جدید باشگاه پرسپولیس بر پایه جوان‌گرایی بنا نشده‌است. نام‌های بزرگی در لیست خروج دیده می‌شوند و بر پایه دنبال خون تازه‌ای در درگاه‌های تیم‌است. با این حال، جذب قلی‌زاده با این راهبرد در تضاد نیست؛ بلکه او می‌تواند نقش رهبر تکنیکی این نسل جدید را ایفا کند. حضور او در کنار جوانانی که قرار است به تیم اضافه شوند، می‌تواند توازن لازم را برقرار کند. اما منتقدان می‌گویند پرسپولیس که در فصول اخیر بانوسانات مالی و مدیریتی دست‌به‌گریبان بوده، نباید بودجه محدود خود را صرف بازیکنی کند که حداقل نیمی از فصل آینده را خانه‌نشین خواهد بود. آنها معتقدند بمبی که قرار است در بازار نقل‌وانتقالات منفجر شود، نباید جاشنی‌اش از پیش سوخته‌باشد.

علی‌قلی‌زاده‌حالا‌در‌مرکز‌یک‌دايره‌سرنوشت‌ساز‌ایستاده‌است. یک‌سوی‌این‌دايره، ادامه‌ماجراجویی‌در‌اروپا‌قرار‌دادی‌مشروط‌و‌سخت‌گیرانه‌است‌وسوی‌دیگر،‌بازگشت‌فهرمانه‌به‌ایران‌و‌پوشیدن‌کراکر‌کند‌سالم‌هاست‌انتظارش‌آمی‌کشد‌و‌تصمیم‌گرفته‌است‌که‌تاقبل‌از‌جراحی،‌هیچ‌قول‌و‌قراری‌رانهای‌نکند.‌او‌می‌خواهد‌ابتدا‌اتاق‌عمل‌به‌سلامت‌خارج‌شود‌وسپس‌با‌چشمان‌باز‌به‌پندنگاه‌کند.‌برای‌هواداران‌پرسپولیس،‌این‌انتظار‌کشنده‌است.‌آنها‌که‌یک‌بار‌پارسال‌ناملید‌شده‌اند،‌حالا‌تربا‌یک‌بسی‌و‌بیم‌و‌امید‌به‌اخیر‌نگاه‌می‌کنند.‌بیم‌از‌زانوی‌آسیب‌دیده‌علی‌و‌امید‌به‌ساق‌های‌هنرمندی‌که‌اگر‌دوباره‌جان‌بگیرند،‌می‌توانند‌هر‌خط‌دفاعی‌و‌ادرا‌آسیا‌به‌لرزه‌در‌آورند.

توپ‌اکتون‌در‌زمین‌ستاره‌ای‌است‌که‌فعلا‌توان‌حرکت‌دادن‌آن‌راندارد.‌امادهن‌او‌بر‌کارت‌تر‌از‌هر‌زمان‌دیگری‌در‌حال‌برداشت‌مسیر‌پیش‌روست.‌آیا‌قلی‌زاده‌در‌۳۰‌سالگی،‌شجاعت‌بازگشت‌به‌فوتبال‌ایران‌و‌پذیرفتن‌افتن‌چالش‌بزرگ‌را‌خواهد‌داشت؟‌باتوجه‌چیزی‌می‌دهد‌در‌آرامش‌سرد‌لهستان،‌دوره‌نقا‌هت‌خود‌را‌سپری‌کند؟‌هر‌چه‌که‌باشد،‌نقل‌وانتقالات‌باشستان‌۱۴۰۵،‌بیش‌از‌هر‌چیز‌تحت‌تأثیر‌این‌قمار‌سرخ‌خواهد‌بود.

